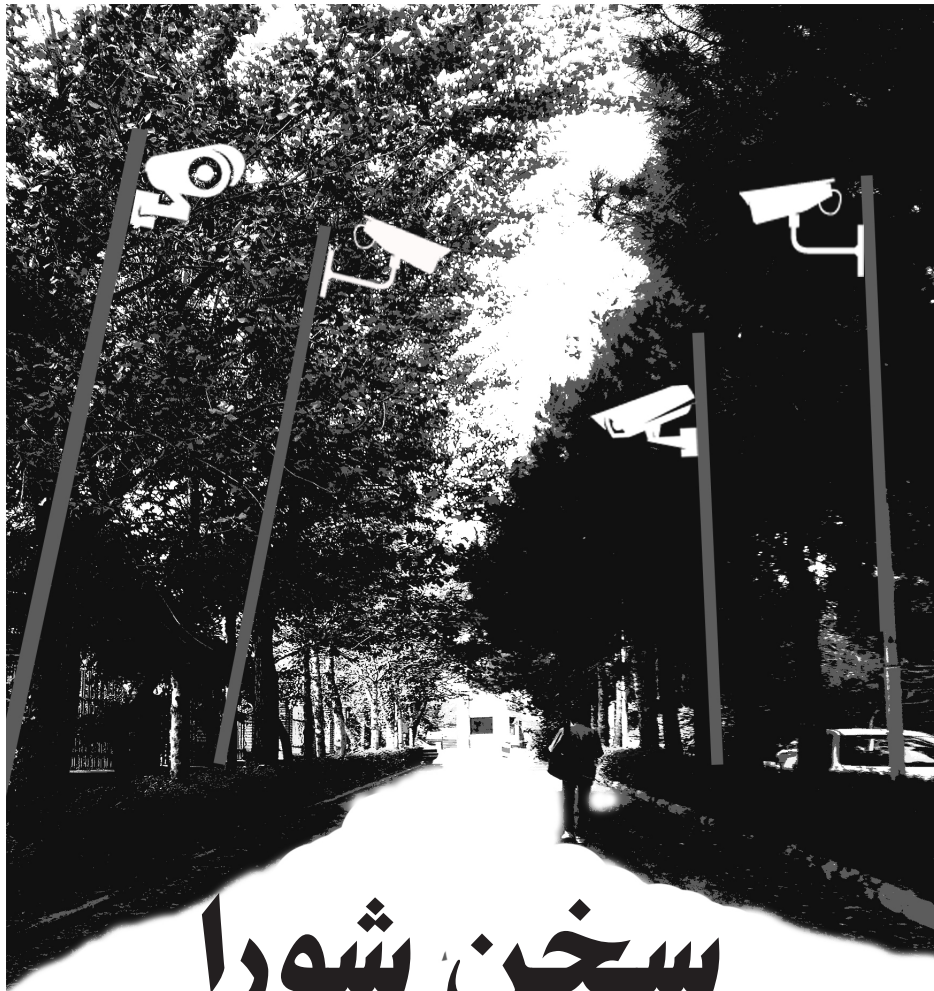




سخن شورا

صفا روشندل

با وجود مشکلات متعدد و عدم تشکیل شورای صنفی در برخی دانشکده‌ها و خوابگاه‌ها، پنجمین دوره شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در خرداد ۱۳۹۶ تشکیل شد.

نشریه‌ای که در دست دارید، نشریه رسمی شورای صنفی، مجرای برای انتقال صدای ماست. صدایی که در هیاهوی روزمرگی منقطع نمی‌شود و همیشه جاری است. اگر پرده‌ای در برابر چشمانمان می‌کشند و با آوایی گوش‌مان را مشغول می‌کنند تا حقایق را آنچنان که هست نبینیم، این دستان خود ماست که پرده را کنار می‌زنند و صدای مزاحم را خاموش می‌کنند؛ و اینک صدای ما رساتر از هر صوتی به گوش می‌رسد.

ویرگول شنیده شدن و خواندن ماست، سازمان‌ده دانشجویی است و با توجه به اینکه دانشجویان، نویسندگان آن هستند این امکان فراهم می‌شود که حرف دانشجو بدون واسطه و مستقیم شنیده شود و آگاهی به واسطه خود دانشجو ایجاد شود. وابسته به هیچ تشکل سیاسی‌ای نیست و متعلق به تمام دانشجویان دانشکده است.

چهل و دومین شماره ویرگول در پی آن است که ماهیت شورا و الفبای کار صنفی را بیان کند، به مسئله دوربین‌ها بپردازد، درباره سیستم گلستان و خوابگاه‌ها صحبت کند، اطلاعاتی را به دانشجویان ورودی دهد که برای زیست دانشجویی لازم است و آگاهی مختصری از حقوق اولیه دانشجویی در اختیار ما بگذارد.

ویرگول پذیرای یادداشت‌ها و شنیدن دغدغه‌های صنفی شماست: @Safa_Roushandel

برای دسترسی به آرشیو ویرگول به آدرس مقابل مراجعه کنید: www.virgoolut.ir

جایگاه شورای صنفی

پدرام پندیه

شاید تا به این لحظه مقالات بسیاری از دست دیده باشید؛ «تشکل ما چیست؟». ما نیز خلاف واقع ادعا نمی‌کنیم و همین قصد را داریم. اما می‌خواهیم چیز دیگری را نیز تعریف کنیم؛ نقش دانشجو در مقطع حساس کنونی !

شورای صنفی از نظر تعداد اعضای شورای عمومی، بزرگترین تشکل دانشجویی به حساب می‌آید و تک تک دانشجویان به محض ورود به دانشگاه، عضو شورای عمومی شورای صنفی می‌شوند. این تشکل هدف و رسالت مشخصی دارد. دفاع از صنف دانشجویان به عام‌ترین معنای آن. از تمام شدن مایع دست‌شویی گرفته تا گران شدن شهریه خوابگاه. یک جست و جو کوتاه در صفحات مجازی کافیست تا گستردگی اعتراضات صنفی دانشجویان سراسر کشور در یک سال گذشته را ببینید؛ سنوات تحصیلی، کیفیت غذا، وضعیت خوابگاه‌ها، شهریه‌های اضافه و غیره. اگر از اقوام و یا آشنایان خود که در ادوار گذشته دانشجو بودند پرس و جو کنید، خدمات رفاهی دانشجویی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق دانشجویان محسوب می‌شد و کوچک‌ترین تخطی از آن، واکنش شدید دانشجویان را برمی‌انگیخت. اما آغاز دهه

۰۹ شمسی با آغاز سیاست‌های ریاضتی در دانشگاه همزمان شد. با وجود این که اولین خشت سیاست‌های پولی‌سازی و کالایی‌سازی دانشگاه در ایران را می‌توان به افتتاح دانشگاه آزاد اسلامی نسبت داد، دهه ۰۹ از این حیث قابل تامل است که این سیاست‌ها شکلی کاملاً لجام گسیخته به خود گرفتند و روز به روز آموزش را بیش از پیش تبدیل به کالایی لوکس کردند.

قبل از هر چیز ذکر این نکته لازم است که روند کالایی‌سازی آموزش که در ادامه این نوشتار به مصادیق آن خواهیم پرداخت، تنها گریبان دانشگاه را نگرفته است. موسسات، کلاس‌ها و کتاب‌های کنکوری در کنار رشد مدارس

غیرانتفاعی، ساختار نظام آموزش را به کلی تحت تاثیر قرار داده است و این شکست غول کنکور است که نسبت به امر آموزش اولویت پیدا کرده. شاید پیش خود بگویید که کنکور دیگر آن غول سابق نیست و امکان قبولی در کنکور بیشتر از سالیان گذشته و یا ظرفیت دانشگاه‌ها در حال حاضر از تعداد داوطلبان بیشتر شده و یا استدلالاتی از این دست. اما بیایم به چگونگی تفکیک این «بیشتر شدن ظرفیت» بنگریم؛ پیام نور، آزاد، علمی کاربردی، غیرانتفاعی و پردیس‌های پولی. همچنین از یاد نبرید که روز به روز دانشگاه‌های اصطلاحاً «سراسری» ظرفیت دانشجوی روزانه را کاهش میدهد و بر ظرفیت شبانه‌ها می‌افزاید. بنا به گفته‌ها، میزان دانشجویان روزانه به نسبت کل دانشجویان کشور، بین ۷ الی ۳۱ درصد متغیر است. حال همه این‌ها را به سهمیه‌بندی جنسیتی و بومی‌گزینی بیافزایید که زنان و غیر تهرانی‌ها از شانس کمتری برای قبولی در دانشگاه‌های برتر کشور برخوردار می‌شوند.

فرض کنیم که شما توانستید از این هفت خان به هر ترتیب عبور کنید و فکر کنید که حال می‌توانید از امتیازات دانشگاه دولتی استفاده کنید، اما با امر دیگری مواجه می‌شوید. قیمت

غذا و خوابگاه نسبت به چند سال پیش چندین برابر شده است. سنوات مجاز تحصیلی کاهش یافته و شما موظفید هرچه زودتر درس خود را تمام کنید، در غیر این صورت به پرداخت جریمه سنوات متحمل می‌شوید. خدماتی که در خوابگاه ارائه می‌شود در برخی موارد به مراتب نسبت به پادگان دهشناک‌تر است. در عوض همه این مصائب، دانشگاه وام‌های دانشجویی را افزایش می‌دهد که چیزی را که بر طبق قانون حق ماست، با اقساد چند ماهه بازپرداخت کنیم و تا پایان بازپرداخت نیز بدهکار بانکی محسوب شویم. در این شرایط است که قصه پسرپچه‌ای که در طویله هنگام دوشیدن گاو درس می‌خواند و رتبه تک رقیم کنکور آورد، تبدیل به افسانه‌ای محلی می‌شود.

اما همه این گلایه‌ها برای چه بود؟ به مسئله‌ای که در اول این نوشتار مطرح شد بازمی‌گردیم. «نقش دانشجو در مقطع حساس کنونی». آنچه تا کنون شرح دادیم قسمتی از مختصات مقطع حساس کنونی بود. مقطع‌ای که دانشگاه تبدیل به بنگاهی

موظف به ایستادن در آن می‌داند، صنف دانشجویان است. «ما صراحتاً اعلام می‌داریم مطالبات ما مربوط به یک دولت و مجلس خاص نیست که بخواهد در چنین بزنگاه‌هایی بروز کند، بلکه ما مصرانه و در مقابل هر دولتی، خواهان الغای کلیه قوانین تبعیض‌آمیز و توقف بازاری‌سازی و پولی‌سازی ساختار آموزشی کشور هستیم»^۱.

بدیهی است که در چنین راه پر پیچ و تابی، شوراهای صنفی تنها زمانی می‌توانند مطالبات به حق دانشجویان را پیش ببرند که بدنه دانشجویی با قدرت در کنار و یا حتی جلوتر از شورای صنفی گام بردارد. طبیعتاً مطالبات شورای صنفی، چیزی جز مطالبات بدنه عمومی دانشجویان نیست و در واقع این بدنه دانشجویی است که مطالبات و قدرت پیگیری آن را برای شورا به ارمغان می‌آورد، اما هنگامی که بدنه دانشجویی در گیر انفعال و ناامیدی گردد، شورای صنفی نیز تنها تبدیل به کارمند درجه دو دانشگاه می‌شود و از پیشبری هر مطالبه مترقی عاجز می‌ماند. در چند سال اخیر شوراهای صنفی دانشگاه‌های سراسر کشور در مقاطع مختلف نشان دادند که درصورت وجود بدنه فعال می‌توانند بسیاری از مطالبات را پیش ببرند. افزایش سنوات تحصیلی و رفاهی مجاز، جلوگیری از پولی‌شدن سرویس‌های دانشگاه ، بازگشایی کانون‌های فرهنگی در دانشکد علوم اجتماعی، بازگشایی شورای صنفی مرکزی دانشگاه تهران و بسیاری از موارد دیگر، بخشی از موفقیت‌هایی است که در همین دانشگاه به همت بدنه دانشجویی به عنوان جلوداران این مطالبات و شوراهای صنفی به عنوان نهاد حامی آنان میسر شد. حال نقش دانشجویان در مقطع حساس کنونی واجد اهمیت است که شورای صنفی بتواند به پشتوانه آنان، مسیر سالیان گذشته را بل قدرتمندتر از آن زمان طی کند.

سامانه‌ای به نام گلستان

پاییز خورسند

اما سوال اینجاست که چرا آنطور که باید و شاید شاهد تلاشی برای ارتقای سایت نیستیم؟ چرا نباید سامانه ای که همه ی هست و نیست دانشجو به آن بسته است، از رزرو خوابگاه، تا رزرو غذا و درخواست وام و ثبت نام و کارنامه ی تحصیلی و انتخاب واحد و … چنین ملغمه‌ای از پیچیدگی‌های کاربری و ارورهای بی‌پایان و پیچ و خم‌های نامانوس باشد؟.

در چند هفته گذشته، شکایت های زیادی از عملکرد این سامانه به گوش رسید؛ از مشکلات و باگ هایی که برای دانشجوها سرانتخاب واحد وجود داشت (و در پاسخ به این باگ‌ها، زحمت اضافه مسئولان آموزش دانشکده‌ها برای رفع این باگ‌ها و به دنبال آن سردرگمی‌های طبیعی حاصل از رفت و آمدها و تماس‌های اداری بی‌دلیل) یا مشکلاتی که برای رزرو خوابگاه وجود داشت، تاخیرهای چند ساعته برای ورود به سامانه و هنگ کردن های متداوم سیستم، گزینه‌های اشتباهی (مثل اینکه شما گزینه‌ی بله را کلیک کنید و در عوض برنامه جواب نه را دریافت کند!!!!) مشکلات کوچکی نیست که ساده بتوان با وجودشان کنار آمد. هر تاخیر و اشتباه این سیستم فرسوده برابر است با دگرگون شدن حیات تحصیلی دانشجو. اینکه سامانه های جامع دانشگاهی باید در خدمت دانشجو و به نفع او باشد و عمل کند شکی نیست، اینکه

این سیستم با نهایت ضعف های برنامه نویسی خود میتواند بهتر از این ها عمل کند هم شکی نیست؛ دانشگاه باید خود را در مقابل این مهم مسئول بداند و بیشتر از پیش در ترمیم و تخریب سایت و رفع یکی از مهم ترین نیاز های دانشجو دست روی دست نگذارد.

البته این موضوعی است که شورای صنفی دانشکده ها باید پیگیر آن باشند و لزوم آن را به دانشگاه یادآوری نمایند

^[1] باینه مشترک شوراهای صنفی به مناسبت پایان سال ۱۳۹۵

خندیدن در خانه آکادمی سوخت

رضا خسروانی

دوربین‌ها در دانشکده علوم اجتماعی نصب شدند. هیئت ریسه و نصب کنندگان دلیل دزدی را مطرح کردند. منتقدین بحث‌هایی را مطرح کردند و منتقدان آنان نیز از فواید نصب دوربین دفاع کردند. (هرچند نه به صورت متنی و گفتند که دوربین، حلال مشکل دزدی خواهد بود و نگرانی‌های منتقدین بی‌مورد است. در مورد کلیت ماجرا تا به حد خستگی و فرسودگی بحث شده است. من تنها قصد دارم دو نکته در باب روزهای پیش رو و چند و چون اتفاقات دانشکده بیان کنم که آن دو به شرح زیر است:

۱) عملکرد یک دستگاه امنیتی اصولاً بر اساس محاسبه و عقلانیت نیست و این اتفاقاً تصمیمی عقلانی و مهم است. یک دستگاه امنیتی لزوماً بر اساس حداکثر میزان دقت و محاسبه در اهمیت و خطر موضوع بررسی خود عمل نمی‌کند. دستگاه امنیتی مرزی مشخص یا دلیلی عقلانی ندارد که بتوان رفتار آن را پیش‌بینی کرد. دلیل آن مشخص است: دستگاه امنیتی نمیتواند تک تک مولکول‌های

مملکت را تحت رصد داشته باشد تا هیچ کدام از خط قرمز عبور نکنند. دستگاه امنیتی راهی بسته‌تر برای کنترل میزان و مقدار بیشتری از عوامل خطرناک نسبت به هزینه دارد و آن هم ایجاد رعب است. رعب هرگز نمی‌تواند پیش‌بینی‌پذیر باشد. یک خانه پر از اشباح تصور کنید که هرروز اشباح آن در مسیر معینی رفت و آمد میکنند. هیچ چیز ترسناکی در این خانه وجود نخواهد داشت. دستگاه امنیتی باید ترسی ایجاد کند که فعالیتی را که رصد هم نکند، خود مختل شود و رعب افراد از ظهور آن جلوگیری کند. درست کردن فضای ناامن برای کنش توسط عوامل هدف دستگاه امنیتی از طریق رعب به وجود می‌آید و رعب نیز نیازمند یک عامل است: پیش‌بینی‌ناپذیری. دستگاه امنیتی نمی‌تواند بدین شکل عمل کند: اگر بیش از این میزان فعالیت داشته باشی و اگر در این سطح تأثیر بگذاری به سراغت خواهم آمد. وگرنه اهمیت تو کمتر از هدر کردن وقت و هزینه است. در این صورت اهداف او می‌دانند که باید چه چیزی را پنهان کنند. و می‌دانند که باید فعالیت خود را به چه سمتی سوق دهند که کمترین هزینه را در برداشته باشد. پس دستگاه امنیتی باید به شیوه‌ای نامنظم و غافلگیرانه عمل کند و افراد نتوانند حدس بزنند چه شکلی و چه سطحی از کنش، خطرناک خواهد بود و چه سطحی از آن مجاز اینگونه رعب به وجود می‌آید و این رعب، تمام سطح کنش افرادی که در جامعه هدف دستگاه امنیتی هستند مختل می‌کند و به صورت امری عینی از آن موضوع جلوگیری می‌کند. این حرف از این جهت زده شد که استدلالی از این دست که مگر در علوم اجتماعی چه اتفاق مهمی می‌افتد که دوربین اتفاق مهمی باشد سوال نا به جاست. اگر راهی فیزیکی و امکانی برای دخالت نهادهای امنیتی وجود داشته باشد دیگر باید دخالت دستگاه امنیتی از طریق آن را پیش فرض گرفت. زیرا حتی اگر هیچ‌گاه دخالتی از آن مسیر صورت نگیرد، همان رعب ایجاد شده فضای دانشگاه و دانشجویان را مختل می‌کند. هیچ کس نمی‌داند اولین دخالت چه زمانی از راه خواهد رسید و هیچ کس از طریق تأمل در کیفیت و میزان اثرگذاری کارش، نمی‌تواند از این موضوع مطمئن شود که در چه صورت از این موضوع در امان خواهد بود.

۲) آنچه فضای دانشجویی دانشکده را می‌سازد

فعالیت دانشجویی و جنبی دانشجویان است. از نشریات گرفته تا برنامه‌ها و انواع امکان‌هایی که برای بحث، اظهارنظر، نقد و مجموعاً تفکر جمعی در فضایی خارج از چارچوب‌های فرسوده آکادمی رسمی فراهم است. بخش زیادی از این فعالیت‌ها از طریق تشکل‌های دانشجویی، یعنی انجمن علمی و کانون‌ها فراهم می‌آید. انجمن‌های علمی فضا را برای تفکر به شیوه‌هایی جدیدتر و متنوع‌تر فراهم می‌کنند و کانون‌ها نیز به فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری می‌پردازند که علوم انسانی بدون آنها به راستی بی‌معناست. یکی از مسائل مهم در باب این تشکل‌ها، نقش میانجی‌گری است که این تشکل‌ها بمیان بدنه و هیات ریسه دانشکده برقرار می‌کنند، بدین معنا که آن‌ها با گرفتن مجوز برای استفاده از فضا و اطلاع‌رسانی و استفاده از برخی امکانات، فضا را برای فعالیت دانشجویی فراهم می‌کنند. این نکته یک نتیجه روشن دارد: انجمن‌ها و کانون‌ها برای بقا و ادامه فعالیت به تعامل با هیات ریسه احتیاج دارند. آنها برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود، به تعامل و دانستن نظر هیات ریسه و گفتگو با آنان احتیاج دارند. سوال مهم این است: اگر در اولین سال شروع به کار هیات ریسه جدید، رییس دانشکده رسماً امضای کتبی خود را در نظر نگیرد و خلاف آن عمل کند. آیا می‌توان به تعامل آتی با هیات ریسه امیدوار بود؟ آیا اینکه هیات ریسه مجاز باشد هر حرفی را انکار و هر قولی را تکذیب کند، فعالیت تشکل‌ها و به تبع آن فعالیت دانشجویی را در مه غلیظ ابهام و تیرگی فرو نخواهد برد؟ در واقع به نظر نگارنده این مهم‌ترین ضرورت پرداختن به مسئله دوربین است. یعنی مثلاً اگر رییس قول داده بود که شیر آب سفید رنگ باشد و امثال شیر آبی سفیدرنگ نصب شده بود، از این لحاظ از همین اهمیت برخوردار بود. برای ادامه زندگی در علوم اجتماعی به حداقلی از امکان پیش‌بینی وقایع و پشتوانه برای وعده‌ها نیاز است و اگر این مسئله بدون واکنش ادامه یابد، این حداقل ضروری بی‌شک از دست خواهد رفت.

یکی از چهار گرایش را قبول شدی و با کلی امید و آرزو پا به علوم اجتماعی می‌گذاری (احتمالاً!). معمولاً بین ۱۶ الی ۱۹ واحد را برایت در نظر گرفته‌اند و معمولاً اساتید برای دروس ارائه شده کتاب‌هایی را برایت معرفی کرده‌اند. برای جست‌وجوی کتاب‌ها به کتابخانه رجوع می‌کنی. کتابخانه‌ای که فضایش دستخوش تغییرات شده و تقریباً کل فضای کتابخانه به طبقه بالا انتقال یافته در حالیکه پیشتر همکف جزء سالن مطالعه محسوب میشد به‌علاوه‌ی سالن مطالعه‌ی بانوان که در پایین قرار داشت. بچه‌هایی که مشکلات جسمانی دارند و برای استفاده از سالن مطالعه در طبقه‌ی بالا با مشکل مواجهند فقط می‌توانند از دو میزی که در همکف به آنها اختصاص داده شده است بهره ببرند!!! اگر برای جست‌وجوی کتاب‌ها در جست‌وجوگر سیستم جامع به مشکل برخورد کردی به مخزن کتابخانه رجوع کن و از مسئول آن، کتاب مورد نظرت را جویا شو. برای اینکه مجبور نباشی کل روز حجم زیادی از وسیله‌هایت را با خودت حمل کنی، میتوانی از کمد استفاده کنی و یک کمد در اختیار داشته باشی. برای این کار کافیس قفل و کلید را تهیه کنی و درخواست را با بچه‌های شورای صنفی درمیان بگذاری. برای رزرو غذای هفته‌ی آتی‌ات تا ۸ صبح چهارشنبه‌ی هفته‌ای که در آن قرار داری، فرصت داری و در صورت عدم موفقیت یکی از راه‌های خرید روزفروش غذاست. البته اگر زود مراجعه کنی، بین ساعت ۱ تا ۱:۱۵ میتوانی امیدوار به گرفتن روزفروش باشی. اما سالن تربیت‌بدنی هم در نزدیکی کتابخانه و در زیرزمین قرار دارد. برای استفاده از آن ابتدا باید به بردهایی که در ورودی اول ساختمان واقع شده‌اند مراجعه کنی تا روزها و ساعت‌های استفاده از سالن با توجه به جنسیت مشخص شود! پس از آن، برای گرفتن کلید سالن، به دفتر آقای شیخ‌الاسلام رجوع کن. بگذار برایت از سیستم گرمایشی و سرمایشی کلاس‌ها بگویم. سیستمی که باید هر چه بیشتر آن را در آغوش بگیری تا از گرما و سرمای وجودش بهره‌مند شوی!! رسماً فقط کارآیی تولید صدا دارد و اغلب برای اینکه بتوانی صدای اساتید را در کلاس بشنوی، مجبور می‌شوی خاموششان کنی. تلاش‌های زیادی طی این سال‌ها توسط بچه‌های صنفی برای تغییر این سیستم صورت

هزار امید و آرزو مهسا الیاسی

گرفت ولی هربار با این توجیه مسئولین مواجه شده‌اند که بودجه نداریم! اما آسانسور این ترم نونوار شده است. اشتباه نکنید! قرار نیست شما برای کلاسهایتان در طبقات دوم و سوم از آن بهره ببرید، بلکه فقط کسانی که در طبقات ۴ و ۵ ساکن هستند یا کلاس و کارشان به آن طرف‌ها می‌افتد، حق بهره‌برداری دارند.

راستی از تابستان مهمانان جدیدی به دانشکده‌مان ورود پیدا کردند. آن هم در زمانی که ما نبودیم. تعداد دوربین‌ها در دانشکده افزایش پیدا کرد تا هر چه بیشتر فضا در محاصره‌ی حراستی‌ها قرار بگیرد. داستان دوربین‌ها داستان مفصلیست و یکی از توجیه‌های زیبای مسئولین این بود که این دوربین‌ها برای جلوگیری از دزدی، قرار است در دانشکده نصب شوند. نکته جالب در مورد دزدی‌هایی که گفته شد این است که این اتفاقات معمولاً در سالن مطالعه رخ داده است. اول اینکه با چه معیاری دوربین‌ها، محوطه و حیاط دانشکده را با این تعداد در بر می‌گیرند؟ سوال بعدی اینکه، آیا برای جلوگیری از دزدی باید دوربین‌ها را افزایش داد؟!

جایی که به آن ورود پیدا کردید تا به امروز صدایش خاموش نبود. و برای همین عدم خاموشی هزینه‌های بسیاری پرداخت شده است. نمونه‌اش همین دوسال پیش، شاهد احضار گروهی دانشجویان دانشکده به خاطر پیگیری مسائل صنفی بودیم. برای همین مهمان ناخوانده (دوربین‌ها)، تجمع‌اتی جلوی دفتر ریاست صورت گرفت. اما نهایتاً تابستان برخلاف قولی که داده شده بود، دوربین‌ها هر چه بیشتر ما را محاصره کردند. دوربین‌هایی که به خاطر مقاومت دائمی دانشجویان علوم اجتماعی، کمتر در این دانشکده خودنمایی میکردند ولی نهایتاً پایشان به اینجا هم باز شد. امید است صدایمان به خامشی نگراید.



حدّ حیات

خوابگاه عرصه ای عمومی است که در آن عده ای از همسالان در گیر تعاملات بین فرهنگی و برخوردهای قومیتی می شوند. این تعاملات می تواند نهایتا تأثیر مثبت یا منفی بر زندگی فرد بگذارد و از او در برابر تصمیم گیری های زندگی اجتماعی اش، فردی مستقل یا منفعل بسازد. خوابگاه ادامه فضای دانشگاه است که در آن فرد تحت تعلیم و تأثیر است. انتقال فرهنگ، جامعه پذیری، افزایش تخصص و مهارت افراد، پرورش

و رشد شخصی افراد، مواردی است که افراد در تعاملات خود در این فضا می توانند کسب کنند. فرد در صورت عدم موفقیت در ایجاد سازگاری با فضا و افراد جدید ممکن است دچار مشکلاتی در ایجاد رابطه با دیگران شود. از جمله این موارد می توان به احساس عدم تعلق به محل زندگی اشاره کرد که فرد به دلیل برقرار نکردن رابطه با خوابگاه دچار آن می شود. اعمال قوانین کنترل شدید در خوابگاه دختران در تمام امور فردی و شخصی دانشجویان مثل روابط بین فردی، نحوه پوشش و غیره باعث می‌شود که دانشجو از زندگی در خوابگاه احساس نارضایتی داشته و هیچگونه احساس تعلقی به خوابگاه نداشته باشد و خود را در نبرد با مسئولین خوابگاه و هم خوابگاهی های خود بیابد (زارچی, ۱۳۹۱).
حاليا با توجه به اهمیت خوابگاه در روند ادامه تحصیل و زندگی، در این نوشته و نوشته های آتی تصمیم خود را بر این گذاشته ایم که خوابگاه دخترانه چمران و هر آنچه به آن مربوط می شود را توصیف نماییم تا از این جهت بابی برای آشنایی نخستین دانشجویان شهرستانی با محیط جدید بکشاییم و حداقل آگاهی ای از مکانی غیرشخصی که قرار است زمان زیادی را در آن سر کنند، به ایشان بدهیم؛

اگر در روزهای شنبه تا چهارشنبه و از ساعت ۷:۳۰ صبح تا ۱۷ گذرتان به خوابگاه بخورد، حتما شاهد صف اتوبوس های سرویس دانشگاه-خوابگاه خواهید بود که سمت راست در اصلی خوابگاه قرار دارند و هر پنج دقیقه یکبار (به قول پیمانکار و به عمل نه تا این حد دقیق)، یکی از آن ها از چمران راه افتاده و به سمت پردیس مرکزی حرکت

می‌کند. با این حال گویا قرار است دانشگاه تهران در بخش سرویس ها از قرارداد خود با بانک تجارت رونمایی کند و سال تحصیلی ۹۶ اخبار خوشی مبنی بر راه‌اندازی دستگاه تطابق کارت و چهره دانشجوی دانشگاه تهران به ارمغان آورد!

اما در کنار درب اصلی و سبزرنگ خوابگاه، اتاقک نگهبانی است که ۳-۲ نفر مرد با یونیفرم

سرمه‌ای رنگ، بصورت شیفتی مشغول کار هستند که وظیفه‌ی نظارت بر ورود و خروج افراد متفرقه را در تمام ساعات برعهده دارند.

پیش از آن که وارد محوطه‌ی اصلی خوابگاه شویم، بهتر است به محل آشپزخانه و مغازه‌های سوپرمارکتی، خرازی و نانوایی نیز اشاره کنیم که بعد از قسمت انتظامات قرار دارند. مغازه‌ها کمی پایین‌تر از سطح زمین ساخته شده‌اند؛ طوری که برای رفتن به این مغازه ها باید از چند پله پایین رفت. درواقع این مغازه‌ها، قسمت زیرین سالن غذاخوری خوابگاه هستند. دانشجویان ساکن خوابگاه مجبورند اقلام روزانه‌ی خود را از همین چند مغازه خریداری کنند که البته سوپر مارکت خود را نماینده تهیه و توزیع همه آنچه

که در مغازه‌های دیگر است می‌داند و خب در این میان، یافتن اجناس با قیمت دانشجویی کاری است، شق القمر!

در این میان فروشندگان نیز از خود دانشجویان هستند؛ البته حق مالکیت بر مغازه ها هرساله از طریق مزایده به افراد مختلفی (من جمله کارمندان خود دانشگاه تهران) داده می‌شود.

از گیت ها عبور کرده و وارد محوطه ی اصلی خوابگاه می‌شویم؛ محوطه‌ای که چهار ساختمان چهار طبقه در آن ساخته و در اختیار دانشجویان قرار داده شده است. آنچه طی ۳-۲ سال گذشته بیش از هر چیز خود را در کالبد خوابگاه نشان می دهد، افزایش فضای سبز و درختان و گل کاری‌های دور تا دور محوطه است؛ چنانکه با چرخاندن سر به هر سو، میتوان سبزی و ظاهرسازی خوبی را دید.

اتاق امور فرهنگی درست مقابل ما نقش می‌بندد. دو ردیف پله پیش رو داریم که یکی از آن ها به ساختمان فیض کاشانی (با هماهنگی و مذاکره با نمایندگان وقت کاشان در مجلس شورای اسلامی، کمک های آقای محلوجی وزیر اسبق صنایع، پشتیبانی مرحوم آیت الله یثربی؛ خیرین کاشان با اولویت اسکان دانشجویان کاشانی با ظرفیت ۵۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ افتتاح شده است، علی ایحال دانشگاه تهران اولویت را به دانشجویان سال آخر کارشناسی خود داده است و هر ساله تنها طبقه ی سوم یا چهارم این ساختمان به ایشان اختصاص داده می شود(دشتی،۱۳۸۷))

منتهی می شود و دیگری راه اصلی رسیدن به تمامی قسمت های خوابگاه است. هنگام ورود به ساختمان، سمت چپ همکف ساختمان فیض

دربار

کاشانی مختص اتاق مدیریت بی نظیر خوابگاه چمران در محول کردن کارها به دیگر مسئولین؛ یعنی خانم قریشی و مرکز بهداشت و سمت راست آن نیز مرکز مشاوره، قرار دارد.

پله هایی را انتخاب می کنیم که ما را به تمامی نقاط خوابگاه متصل می کنند. در کنار این پله ها، مسیر شیداری برای حمل چمدان دانشجویان تعبیه شده است. با پشت سر گذاشتن چند پله، به یک دو راهی می رسیم. سمت چپ و گذر از چند پله، به سالن غذاخوری ختم می شود. در سال جدید تحصیلی ۹۵این بار روند خصوصی شدن دامن غذای دانشجویان را گرفت. با ورود بخش خصوصی به سالن سلف، دو قسمت تحویل غذا وجود دارد: یک قسمت مخصوص غذاهای خوابگاه و قسمت دیگر مخصوص غذاهایی با نام «غذای خانگی». دانشجویان، نوع غذا که گاها دو غذایی می باشد و قسمت تحویل گرفتن آن را از هفته ی قبل و در سیستم رزرو غذا مشخص کرده اند! گذشته از دو قسمت تحویل غذا، چند ردیف میز و صندلی در سالن، مخصوص دانشجویانی می باشد که تمایل به صرف غذای با کیفیت و انرژی زای خوابگاه و غذای خانگی را در همان مکان دارند.

برای ورود به ساختمان بعدی، یعنی ساختمان ۷۰، باید ضمن خروج از ساختمان فیض، چند پله ای را پایین بیایم. پیش از رسیدن به ساختمان، سمت چپ خود زمین چمن مصنوعی می بینیم و سمت راست، علاوه بر چمن و درخت و گل؛ پله هایی که به ورزشگاه سرپوشیده ی خوابگاه منتهی می شوند. این ورزشگاه سرپوشیده تنها مختص دانشجویان است که می توانند از ساعت ۸ شب، بعد از تمرین کارکنان ارگان ها و شرکت‌های خصوصی و دولتی ، وارد آن شده و تا ساعت ۱۱ تا ۱۱ و نیم به بازی هایی مانند والیبال، بسکتبال، فوتسال و ... بپردازند.

ساختمان ۷۰ چهار طبقه ی آجرنما دارد با ۲۶ اتاق در هر طبقه که هر اتاق بطور معمول ۴ دانشجوی سال سوم کارشناسی را در خود جای داده است. قسمت میانی هر طبقه، سرویس بهداشتی و آشپزخانه قرار دارد که مقابل آن ها، آسانسوری که به حول و قوه پول های دانشجویان در سال تحصیلی ۹۵ ساخته شد، تعبیه شده است. حمام ها در زیرزمین دو طرف شرقی و غربی ساختمان قرار داشته و سالن مطالعه در پناه موتورخانه و اتاق تلویزیون در قسمت شرقی بنا شده اند. زیرزمین ساختمان ۷۰، محل برگزاری نماز جماعت و جشن ها و مراسمات مذهبی می باشد که در اختیار نهاد رهبری است. همچنین اتاق های مربوط به تشکل های فعال در خوابگاه چون بسیج و نهاد رهبری در طبقه اول و اتاق هایی چون ۱۰۷-۱۰۸-۱۰۵-۱۰۲ این ساختمان قرار دارند. مقابل ساختمان ۷۰، علاوه بر چمن مصنوعی یادشده، سالن آمفی تاتر برای گردهمایی ها، مراسمات، پخش فیلم و غیره که مدیریت آن برعهده تشکل های یادشده می باشد، ساخته شده است. در کنار آن نیز وسایل ورزشی و بدنسازی قرار دارد. این قسمت خوابگاه به سالن غذاخوری توضیح داده شده در خطوط فوق، منتهی می شود. چند سرسره و الاکلنگ مجهز به سیستم ایمنی نیز در قسمت پشت ساختمان ۷۰قرار دارند.

شمایل درونی و بیرونی هر دو ساختمان۷۱ و ۷۰همانند ساختمان ۷۰با تفاوت های جزئی در کاربری های مختلف است. مثلا اتاقی در طبقه ی همکف ساختمان ۱۷ برای کامپیوتر درنظر گرفته شده است، سالن مطالعه ی آن که دو قسمت می باشد در کنار رختشورخانه در زیرزمین قرار دارد و یا در زیرزمین ساختمان ۷۲، اتاقی برای موسیقی و سالتی برای بدنسازی درنظر گرفته شده است که برای جمعیت تقریبی ۲۰۰۰ نفره چمران، امکاناتی بس نامحدود است!

بین این دو ساختمان، سالن غذاخوری دیگری وجود دارد که در روزهای پایانی سال تحصیلی ۹۴ ساخته شد تا دانشجویان ساکن این دو ساختمان دیگر مجبور نباشند راه طولانی تا سالن غذاخوری اصلی را پیمایند و کیفیت بی حدو حصر غذاها را در مسیر آسفالت شده، از دست بدهند.

*ادامه ی این مطلب در شماره های بعد به انضمام تجربیاتی از زیست خوابگاهی منتشر می شود.



دشتی،ع. (۱۳۸۷). تاریخ کوی دانشگاه تهران از آغاز تا ... (۰۰۰۰۲۰۰). تهران: دانشگاه تهران.

زارچی،ج. ج. ف. ا. ز. ف. ت. ح. ا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و ازخودبیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان). زن در فرهنگ و هنر، ۴، ۹۸-۹۰.

کلیات حقوق دانشجویان

یا سمن محبوبی‌تین

فضای دانشگاه و دانشکده کم نیستند، یکی دیگر از مصداق‌های این قبیل اقدامات درگیری‌های حفاظت فیزیکی دانشگاه با دانشجویان است، در حالی که حفاظت فیزیکی فقط مرجع ارسال گزارش به کمیته انضباطی است و حتی حق ضبط کارت دانشجویان را ندارد و فقط می‌تواند کارت دانشجو را برای یادداشت کردن مشخصات دانشجو از او طلب کند و به او برگرداند مطابق قانون حتی دانشجو می‌تواند از در اختیار قرار دادن کارت دانشجویی خودداری کند و صرفاً آن را به سمت شخص مربوطه بگیرد به شکلی که بتواند اطلاعات آن را مشاهده کند. البته همه این‌ها در حالی است که دانشجو واقعاً تخلفی انجام داده باشد، در غیر این صورت کسی حتی نمی‌تواند کارت دانشجو را از او طلب کند.

آگاهی و مطالبه حقوق دانشجویی به شما این امکان را می‌دهد تا بتوانید حدود زیست دانشجویی خود را گسترش و یا کاهش دهید، اگر این آگاهی و مطالبه‌گری جمعی باشد حدود زیست دانشجویی به صورت اجتماعی افزایش می‌یابد. برای آگاهی از حقوق خود می‌توانید به اسناد قانونی‌ای چون قانون اساسی (به عنوان قانون بالادستی)، آیین‌نامه‌های انضباطی و آموزشی و شیوه‌نامه‌ها رجوع کنید. همچنین منشور حقوق دانشجویی ابزار مناسبی برای اطلاع از کم و کیف اسناد قانونی مربوطه است. اگر مسئله‌ای در این موارد داشتید می‌توانید با مراجعه به شورای صنفی دانشجویان پیگیر حقوق صنفی‌تان باشید. در نظر داشته باشید که برای احقاق حقوق‌تان مهم‌ترین عامل پیگیری شما است.

بحث‌ها و نکات زیادی پیرامون حقوق دانشجویی وجود دارد که در شماره‌های آتی نشریه ویرگول به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

در واقع قوانین شمشیر دو لبه‌اند، از یک طرف گفته می‌شود که قوانین برای اجرای عدالت و حفظ نظم تصویب می‌شوند، حال آنکه در محیط زیست اجتماعی ما قوانینی وجود دارد که تکرار نمی‌پذیرد و ساختاری را بازتولید می‌کند که انسان‌ها را در هر میدان اجتماعی به طرقي منزوی می‌سازد و روابط نابرابر را گسترش می‌دهد، مانند اینکه دانشجویان بسیاری به دلایل متفاوت از حق تحصیل در مؤسسات آموزش عالی کشور محروم می‌شوند یا کالایی‌سازی آموزش که به صورت پیشینی فرصت اقشار فرودست را برای راه‌یابی به دانشگاه کاهش می‌دهد یا قانون کارورزی که به دنبال بیگاری کشیدن از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است و موارد بسیار دیگری از این دست. در واقع بخشی از قوانین برای بازتولید آنچه که سیستم می‌خواهد تدوین و تصویب می‌شوند و در این حالت عدالت برای همه نمی‌تواند اجرا شود اگر عدالتی در کار باشد. در مواجهه با چنین قوانینی راهکاری جز تلاش جمعی برای تحقق عدالت وجود ندارد، همچون زمانی که در سال گذشته دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس و صنعتی شریف در اعتراض به کاهش قانون سنوات از ۱۰ ترم به ۸ ترم چند روز تجمع کردند تا توانستند حقوق خود را بازبایند. این‌ها یک لبه از این شمشیر هستند، از طرف دیگر قوانین گاهی می‌توانند به عنوان ابزاری برای جلوگیری از تضییع حقوق دانشجویان نیز عمل کنند. این بخش از قوانین زمانی بیشترین کارکرد را برای دانشجویان دارد که مسئولین دست به برخوردهای فراقانونی و سلیقه‌ای می‌زنند، حال اینکه اصلاً تحت چه شرایطی و در چه ساختاری افراد می‌توانند چنین برخوردهایی را اتخاذ کنند خود محل بحث است که از حوصله این متن خارج است.

دانشجو تنها با آگاهی از قوانین است که می‌تواند در این مواقع در مقابل فشارها بایستد و از حق خود دفاع کند. مثلاً در اسفند ۹۴، در جریان احضار گروهی فعالین صنفی-دانشجویی دانشکده به کمیته انضباطی موارد غیرقانونی متعددی رخ داد، از جمله اینکه احضار به شکل تلفنی صورت گرفت که هیچگونه وجهات قانونی نداشت و بواسطه آگاهی و فشار دانشجویان کمیته انضباطی مجبور به عقب‌نشینی از موضع فراقانونی خود و عمل کردن مطابق قانون شد. از این قبیل اقدامات فراقانونی البته در

اواسط اسفند ۱۳۹۴، جمعی دوازده نفره از فعالین صنفی-دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی به صورت گروهی و غیرقانونی به کمیته انضباطی دانشگاه تهران احضار شدند. درگیری‌های آن برهه با مسئولین کمیته انضباطی و دانشگاه باعث شد که به حافظه تاریخی دانشکده رجوع کنیم تا اطلاعات‌مان از منطق و چگونگی احضارها و واکنش دانشجویان نسبت به آن را افزایش دهیم. در جریان این جستجوها با کمیته‌ای دانشجویی تحت عنوان کمیته حمایت از احضارشدگان آشنا شدیم. این کمیته در سال ۱۳۸۷ با هدف پیگیری وضعیت احضارشدگان به کمیته انضباطی دانشگاه تهران و برای رصد فعالیت‌های فراقانونی کمیته انضباطی تشکیل شد و تا سال ۱۳۸۹ نیز رسماً به کار خود ادامه داد. پس از آشنایی با این کمیته و صحبت با یکی از اعضاء آن - مصاحبه‌ای با کمال رضوی که در ویرگول شماره ۲۷ به چاپ رسیده است - به این نتیجه رسیدیم که باید به حقوق دانشجویی توجه بیشتری نشان دهیم و کمیته حمایت از احضارشدگان را دوباره فعال کردیم. در ادامه نیز کارگروه حقوقی شورای صنفی را راه‌اندازی کردیم تا شورا بتواند به صورت جدی پیگیر مسائل مربوط به حقوق دانشجویان باشد. البته پرواضح است که حقوق دانشجویی فقط به حقوق انضباطی محدود نمی‌شود و ابعاد دیگری چون حقوق آموزشی، رفاهی، فرهنگی و... همگی تحت عنوان حقوق صنف دانشجو قرار می‌گیرند.

در زمینه حقوق دانشجویی با اسناد قانونی بسیاری رو به رو می‌شویم. اسنادی که حتی برخی از آنان تا سال ۱۳۸۸ محرمانه بودند و دانشجویان به عنوان پرجمعیت‌ترین عنصر در دانشگاه و کسانی که دانشگاه بدون آنان معنایی نخواهد داشت حتی از بعضی قوانین مربوط به خود نیز آگاهی نداشتند، چه برسد به اینکه در تدوین قوانین نقش داشته باشند. تا ۱۳۸۸ که قانون دسترسی آزاد به اطلاعات توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد، دانشجویان بدون اطلاع دقیق از قوانین انضباطی توسط کمیته‌های انضباطی مورد بازخواست قرار می‌گرفتند. این در حالی‌ست که فعالین حقوق دانشجویی خواستار حضور نمایندگان دانشجویان هنگام تصویب قوانین هستند و آن را یکی از حقوق پامال شده خود تلقی می‌کنند.